

کرمیست ۸۱

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: کورش مدرسی ۵ اسفند ۱۳۸۴ - ۲۴ فوریه ۲۰۰۶

www.hekmatist.com

پول آمریکا برای اپوزیسیون از گفتگوی تلویزیون پرتو با کورش مدرسی

سوال: اعلام شده است که دولت آمریکا در صدد است برای مقابله با جمهوری اسلامی، صدها میلیون دلار را در اختیار جریانات اپوزیسیون رژیم تهران قرار دهد. مباحثات داغی در این مورد شکل گرفته است. در نامه ای در همین مورد با امضای صدها نفر از جریانات مختلف خواستنه شده که آمریکا بجای راه حل نظامی بهتر است که منابع و امکانات خود را در اختیار نیروهای مخالف رژیم قرار دهد. این راه حل موثرتری برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی عنوان شده است. در این تمایل و برداشت بخش وسیعی از اپوزیسیون هم نظر بنظر میرسد. حتی گفته میشود که راه حل صلح آمیزی جلوی روی است. کلان نظر شما در این مورد را میخواستیم جویا شوم، آمریکا دنبال چیست؟



koroush.modarresi@gmail.com

شاید بتوان خوشنود بود که راه حلی سیاسی جلو بیاید، اما این خطر کشیده شدن پای جنگ به ایران و منطقه است که باید جلوگیری کرد. ایستاد. بیشتر از این، آمریکا همیشه با اپوزیسیون مطلوب خود رابطه داشته است. همیشه هم از هواداران خود حمایت کرده است. حالا بیشتر میخواهد به آنها پول بدهد.

سوال: همین اینکه آمریکا به تقویت اپوزیسیون جمهوری اسلامی علاقه نشان دهد، از جانب بسیاری یک اتفاق خوب و مثبت ارزیابی میشود. نظر شما چیست، شما جنبه مثبتی در آن میبینید؟

کورش مدرسی: آمریکا به آدمهای خودش، به چلبی های ایران کمک میکنند. کمکهای خود را در اختیار کسانی قرار میدهد که سلطه آمریکا را در منطقه حفظ کنند. و همین ها هم از کمکهای آمریکا خوشحالند. آنچه برای ما مهم است این است که تلاش کنیم فضای نظامی هرچه بیشتر برچیده شود. فضا هر چه به سمت سیاسی بودن بچرخد، به نفع آزادی و به نفع مردم است. نباید فراموش کرد که در نهایت این مردم ایران هستند که تکلیف جمهوری اسلامی را تعیین میکنند. راستش خوشنودی زمانی مورد دارد که راه حل نظامی

کورش مدرسی: آمریکا دنبال سیاست همیشگی خود مبنی بر حفاظت از منافع خود در منطقه است. آمریکا فکر میکند که دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته ای به ضرر آمریکا تمام میشود. خارج از اینکه قانون در این مورد چه میگوید و نمیگوید، خارج از اینکه حفظ این منفعت چه بروز مردم ایران می آورد، میخواهد جلوی این کار را با گردن کلفتی تمام بگیرد. سیاست کمکهای مالی اخیر هم گامی در همان جهت است. اگر منافع آمریکا در منطقه ایجاب کند، به سادگی دست به اقدام نظامی خواهد زد.

کارگران جهان متحد شوید! اصانلو را فراموش نکنید! اصانلو و همکارانش باید فوراً آزاد شوند!

صفحه ۲



nahid@mail.danbbs.dk

۸ مارس روز نه به آپارتاید جنسی، روز نه به حجاب اجباری!

ناهد ریاضی

روز جهانی زن نزدیک میشود. در همه جای جهان فعالین حقوق زن و مدافعین جنبش آزادی زن مشغول تدارک برگزاری هر چه باشکوه تر این روز هستند. هشت مارس روز جهانی زن سرمنشأ بسیاری از تغییرات در زندگی زنان شده است. فعالین حقوق زن هر سال این روز را در اشکال گوناگون گرامی داشته اند و در مراسم و

گردهمایی شان بیانیه ها و قطعنامه هایی مبنی بر لغو تبعیض و ستم بر زنان صادر کرده اند. امسال باید شاهد گردهماییها و تظاهراتهای بزرگتری باشیم. باید هزاران و صدها هزار زنی که هر روزه برای آزادی پوشش شان با ماموران امر به معروف و نهی از منکر درگیر

میشوند، به حرکتی واحد کشیده شوند. باید همه زنانی که خواهان حق ازدواج و طلاق، خواهان حق حضانت فرزند، خواهان آزادی در انتخاب همسر، خواهان تصمیم گیری مستقل در باره همه چیز خود از مسافرت تا تحصیل و شغل و... هستند، باید به یک حرکت واحد جلب شوند. باید همه کسانی که خواهان برچیدن قوانین تبعیض آمیز و غیرانسانی و ضد زن هستند، به تجمعات گرامیداشت هشت مارس بیایند و یا با فراخوان نهادها و شخصیتهای مدافع حقوق زن در ایران به کار و حرکتی دست بزنند. هشت مارس امسال باید به روز نافرمانی مدنی بر علیه همه قوانین و مقررات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز ضد زن تبدیل شود. صفحه ۳

اعتراض کارگران صنایع مکانیک عراق

صفحه ۴



abdelrahman.gha@yahoo.se

مردم عراق در جنگ بحران ها! عبدالله شریفی

پیش از دو ماه از مضحکه انتخابات عراق میگذرد، ظاهراً تشکیل دولت و کابینه در پیچ و خم معامله و گاوبندی های پشت پرده لاینحل مانده است. مذاکره و مشاجره حول تقسیم کرسی و قدرت، کش دادن به بن بست توافقات جریانات متعدد، میزان کار سران دول آمریکا و انگلیس را بالا برده است. تاکنون سفرهای بی در پی وزرا و فرستادههای آمریکا و انگلیس در کنار زور زدن های مداوم زلمای خلیل زاد سفیر آمریکا در عراق، ناکام و بی نتیجه مانده است.

پرسوناژهای این سناریو هر یک به نوعی درگیر این "بحران" هستند. شیعیان سرشان به جمهوری اسلامی بند است، جدال قدرت بلامنازع خود را مصرانه پیش میبرند، و دست بالا را دارند. اینها خواهان ایفا جعفری در پست نخست وزیری هستند، در فکر قبضه وزارتخانه های عمده نفت و کشور و دفاع میباشند و به تداخل صفحه ۳

کاریکاتورهای محمد و تقسیم مذهبی مردم!

محمود قزوینی

تحركاتی که جریانات اسلامی از ماه سپتامبر سال ۲۰۰۵ در رابطه با چاپ چند کاریکاتور محمد پیامبر در یک روزنامه دانمارک شروع صفحه ۴

کشتار مردم ماکو شدیداً محکوم است

صفحه ۳

ضمیمه: سازمانده کمونیست شماره ۸

سازمان و سبک کار کمونیستی - کمیته های کمونیستی - کورش مدرسی
ترور آری یا نه؟ - مظفر محمدی
کارگران و سازمان یابی - اسد گلچینی
اوضاع پیچیده است - بهرام مدرسی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کنار گذاشته شود، رسماً محکوم بشود و این مستلزم آن است که مردم در صحنه مبارزه علیه جمهوری اسلامی و همینطور خطر جنگ باشند.

میخواهم اضافه کنم اینکه آمریکا راه حلهای دیگر را مورد توجه قرار میدهد بخاطر این واقعیت است که میباید راه حل نظامی راه بجایی نمیرسد. هر جا که برایشان مصلحت باشد، حتی اگر به قیمت خانه خرابی همه مردم و منطقه هم باشد، در این راه تردیدی بخود راه نخواهند داد. تنها چیزی که میتواند جلوی جنگ طلبی آمریکا را بگیرد حضور قدرتمند مردم چه در ایران و چه در خارج کشور است. این حرفی است که ما همیشه گفته ایم.

سوال: در این میان جریانات فاشیستی و ارتجاعی در میان بقول شما [دوستان خود آمریکا] دارند از امکانات وسیعتر، مثلاً تلویزیونهای ماهواره ای، برخوردار میشوند. این مساله حساسیت شما را بر نمی انگیزد؟

کوروش مدرسی: ببینید کمک مالی آمریکا هم بطور واقعی از نظر سیاسی کار ما و کار مردم را سخت تر میکند. منظور آمریکا از کمکهای مالی به متحدین خود طبعاً همین جریانات را شامل میگردد. منافع سیاسی آمریکا در ایران را از جمله فدرالیست ها تامین میکنند. به این لیست باید سلطنت طلبان را هم اضافه کرد. این متحدان آمریکا کسانی هستند که در این ماجرا منافع خود را تعقیب میکنند و ارزشی برای جان مردم ایران و آزادی و رهایی این مردم قائل نیستند. نتایج

عملی سیاست آمریکا به فوت گیری جریانات فاشیست، جریانات قومی، انواع و اقسام جریانات مذهبی و بخصوص فدرالیست ها ترجمه میشود. جریانات مذهبی از نوع مجاهدین هم از شانس خوبی در این قرعه کشی ارتجاعی برخوردارند.

اما اینکه این چنین سرمایه گذاری به نیروی عملی برای کل این جریانات تبدیل شود، شخصاً گمان نمیکنم. چرا که نیروهای سیاسی آزادخواه و برابری طلب در ایران زیاد اند. اینجا دیگر یک عرصه مبارزه سیاسی داخل ایران بحساب میاید و بنظر من ما و مردم ایران از شانس خوبی برخورداریم جلوی اینها را بگیریم. در یک مقایسه، شانس موفقیت ما در چنین عرصه ای خیلی بیشتر است تا اینکه هواپیماهای آمریکایی مشغول بمباران کردن مردم باشند.

سوال: جریانات کم و بیش خوشنام تری هم هستند، مثلاً در میان ناسیونالیستها حتی، که میگویند آمریکا دنبال هر چه باشد، اما از چنین امکاناتی میشود به سود برقراری دمکراسی در ایران استفاده کرد. در جهت کم کردن شر جمهوری اسلامی بهره برد. آیا اینها در بهره جویی از شکاف میان دولتها به نفع مردم ایران، راست نمیگویند؟

کوروش مدرسی: این درست است که در کشمکش میان دولتها مجالی ایجاد میشود که نیروهای اپوزسیون ممکن است بتوانند از آن استفاده کنند. اما چشم دوختن و امید بستن به این مجال ها و زندگی در میان چنین شکاف هایی عبث است و همواره طریقی بوده که از طرف طیف بزرگی از

کمونیسیت ۸۱

اپوزسیون، بقول شما اپوزسیون محترم مانده تر ناسیونالیستی، به آن متکی بوده است. همین اپوزسیون به استقبال همین شکاف ها و اینبار با آمریکا هم خواهند رفت.

مردم ایران نباید مشغول این چیزها باشند. اینها اهمیت ندارند. آنچه که مهم است این است که با نیروهای سیاسی انقلابی خود و در صفوف خود متحد شوند و به میدان بیایند و خود کار جمهوری اسلامی را یکسره کنند. آمریکا دنبال منافع خود است. پول هم به متحدها خود میدهد. تا آنجا که به شکاف ها مربوط میشود، البته که هم مردم و هم نیروهای اپوزسیون میتوانند از آن بهره ببرند. اما، هر چه هست این یک فاکتور جانبی و حاشیبه است. تنها باید به نیروی خود متکی گردید.

سوال: در صحبتهای شما خوشبینی ای هست که مردم میتوانند حریف اوضاع شوند. الان نیروهای ارتجاعی و ناسیونالیستی با همین کمکها دارند نیروی بیشتری میگیرند. فشار تبلیغی خود آمریکا هم هست. راستی کجاست که مردم میتوانند روی پای خود بایستند و حریف این نیروها و فضای سیاسی پیچیده شوند.

کوروش مدرسی: مردم اگر روی پای خود نمی ایستند بخاطر این است که متوجه نیستند. این کاری است که ما باید انجام دهیم. در مقابل این امکانات و رسانه ها و پولها، کار ما برای متحد کردن و متوجه کردن مردم و کارگر سخت تر و سربالایی تر میشود. مخالفین سیاسی ما، کسانی که دنبال حکومت بر مردم هستند، از امتیازات بیشتری برخوردار میگردند.

منتهی با اتکا به نیروی خود مردم، با اتکا به انقلابیگری با قدرت سازمانی و با اتکا به درایت و روشن بینی سیاسی و اینکه ما دست به ریشه آزادی و برابری مردم میبریم، خود ما هم از شانس خوبی برخورداریم.

این موقعیت را من برای ما و مردم مهلتی میبینم که بجنیم بار خود را ببندیم، و با نیروی متحد خود به میدان باییم. هر چقدر که مردم مستقیماً به میدان و صحنه سیاسی بیایند برد نیروهای ناسیونالیست و فاشیست کمتر میشود. راه حل ما روشن است. ما گفته ایم که باید متشکل شد، به این حزب پیوست، واحد های گارد آزادی را تشکیل داد، باید کنترل محلات را بدست گرفت، باید فضا را بدست گرفت و باید جمهوری اسلامی را انداخت. این سیاستی است که بنظر من کماکان برای مردم برد دارد. باید همین سیاست را تعقیب کرد و فاکتورهای دیگر جانبی هستند. همینکه فضای جنگی به هر درجه کمتر شود، مثبت است.

باز هم تکرار میکنم کنار زدن فضای نظامی و کنار زدن خطر جنگ به حضور خود مردم در سرنوشت سیاسی جامعه گره خورده است. اینکه آمریکا امروز کار دیگری، را فقط به خاطر دشواری در آلترا تیبو نظامی، در دستور قرار داده است، نباید زیاد مایه دلمشغولی باشد.

سوال: ماجرای کمکهای مالی آمریکا یک فاکتور از کلاف پیچیده در اوضاع سیاسی خطیر در بالای سر جامعه ایران است. اجازه بدهید این فاکتور را در تصویر بزرگتر سیاسی ایران ببینیم. نکات

شما بطور خلاصه کدام است؟

کوروش مدرسی: ما همیشه گفته ایم هر درجه نظامی کردن فضا، چه در وجه عملی نظامی و یا حتی دامن زدن به فضای نظامی، به ضرر مردم و به نفع جمهوری اسلامی است. به این دلیل که رژیم خودش را جمع میکند، مردم را میترساند، مردم را از صحنه کنار میزند، و دست بازتر در سرکوب را در اختیار جمهوری اسلامی قرار میدهد. همین قدر هم که تا حال فضا را نظامی و تحریک آمیز کرده اند به ضرر مردم تمام شده است. بعلاوه باید توجه مردم را به یک حقیقت مهم معطوف کرد و آن اینکه نجات بخشی وجود ندارد، نه خدا، نه شاه، نه آمریکا، نه قهرمان و نه هیچ کس دیگری. آنچه که میتواند مردم را نجات دهد خود مردم هستند. وقتی که مردم این حقیقت را باور کنند، دیگر کار تمام است. در نتیجه نگاه دوختن به اینکه آمریکا کاری خواهد کرد، امریکا به کسی پولی و کانال تلویزیونی اعطا خواهد کرد، عبث است. باید به میدان آمد، به حزب حکمتیست ها پیوست، باید متحد شد، گارد آزادی را تقویت نمود، کنترل زندگی را بدست گرفت و به این ترتیب خود با دست خود جامعه را در مقابل خطر آمریکا و جمهوری اسلامی و ناسیونالیست ها و غیره نجات دهیم. این تنها راه است. بنظر من چشم دوختن به اینگونه مانور های دیپلماتیک و سیاستهای خارجی عبث است و هیچکس را به جای درستی نرسانده است.



و دیگر فعالین کارگری شرکت واحد، اصلی ترین شعار و مطالبه تداوم این مبارزه است.

آزاد کردن رهبران و فعالین کارگری شرکت واحد تنها امر کارگران شرکت واحد نیست. در صف آرایی به وجود آمده وظیفه فوری کل صف اعتراض در دفاع از کارگران شرکت واحد و شبکه وسیع حمایتی داخلی و بین المللی آن است. تحمیل کردن این خواست به اعمال فشار جدیترین صف بر جمهوری اسلامی نیازمند است. در داخل و خارج حول این خواست لازمست ابتکارات دیگری به دست گرفت. در این میان بار دیگر تاکتیک میکنم مراکز کلیدی کارگری ایران با دفاع از این خواست و با اقدام و ابتکار عملی میتوانند نقش تعیین کننده ایفا کنند. اطلاعیه های حمایتی اخیر چند مرکز کارگران پتروشیمی در ایران و تاکسیرانان ماهشهر نمونه ای از اقدام مبارزاتی در حمایت از کارگران شرکت واحد است. وقت آن است کارگران نفت و ذوب آهن و ماشین سازیها و آب و برق و شهرداریها و ... دیگر رشته های کارگری با ابتکار حمایتی موثرتر از یکساعت اعتصاب حمایتی تاصدور بیابانه و دیگر اقدامات اعلام کنند.

اصانلو و همکارانش را فوری آزاد کنید.

عصانلو را فراموش نکنید!

رحمان حسین زاده

علیرغم اعمال فشار جدی علیه جمهوری اسلامی، مطالبات بر حق کارگران شرکت واحد یعنی به رسمیت شناسایی سندیکای کارگران، انعقاد پیمان دسته جمعی و آزادی همه دستگیر شدان هنوز به کرسی ننشسته است.

در بطن کشمکشی که ادامه دارد نباید غافل ماند، پافشاری بر آزادی فوری منصور اصانلو و دیگر فعالین کارگران شرکت واحد اهمیت برجسته تری دارد. آزادی رهبری کارگران شرکت واحد حلقه کلیدی شکستن بن بست کنونی به نفع مبارزه کارگران شرکت واحد است. اهرم تحکیم اتحاد کارگران و احیای اراده شرکت واحد و تداوم مبارزه جویی آنها و باز شدن راه برای تحقق دیگر مطالبات کارگران است. در نتیجه آزادی فوری اصانلو

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی

۸ مارس ...

موقعیت زن در جامعه ایران تحت قوانین اسلامی با موقعیت برده صدها و هزارها سال پیش قابل مقایسه است. اما زنان و کل مردم ایران در مقابل این قوانین و مقررات ایستاده اند و از حرمت و شخصیت خود دفاع کرده اند.

۲۷ سال است که زنان در ایران تحت حکومت اسلامی و قوانین اسلامی زندگی میکنند. از سالی که جمهوری اسلامی توانست قوانین و مقررات اسلامی اش را با سرکوب صدای حق طلبی و آزادی خواهی و با سرکوب مقاومت زنان، به اجرا بگذارد ۲۵ سال میگذرد.

نیمی از جمعیت در ایران ۲۵ سال است که بنا بر قوانین اسلامی انسان محسوب نمی شوند. طبق قوانین اسلام

و جمهوری اسلامی ایران زن نصف مرد محسوب میشود. اما دهها قانون و مقررات اسلامی دیگر انسان بودن زن را زیر سوال میبرد. شرایط زن در نظام جمهوری اسلامی و قوانین آن از برده هم بدتر است.

۲۵ سال آبارتاید کامل جنسی، ۲۵ سال تحقیر و اهانت به زن، ۲۵ سال سنگسار، ۲۵ سال حجاب اجباری، ۲۵ سال عدم برخورداری از ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای انسانی و اختیار، ۲۵ سال حجاب اجباری، ۲۵ سال نداشتن حق تصمیم گیری در مورد خوردن و آشامیدن، شغل، تحصیل، مسافرت، ازدواج، طلاق، پوشیدن لباس، بیرون رفتن از خانه، گردش، ورزش و... بس است

به این بردگی کامل نیمی از انسان در جامعه ایران باید پایان داده شود. زنان و

جامعه ایران هیچگاه این شرایط برده وار و آبارتاید جنسی را نپذیرفتند. هر قانون ضد زن و هر مقرراتی که قرار بوده است، شخصیت و حرمت زن را در جامعه لگد کوب کند، با مقاومت زنان و مردم ایران مواجهه شده است. پس از ۲۵ سال هنوز نه تنها یک قانون و مقررات اسلامی نتوانسته است در ایران پیروزمندانه به اجرا گذاشته شود، بلکه بر عکس در طول این سالها فرهنگ آزادی زن و مدرنیسم آنقدر رشد یافته است که زنان در سطح وسیع و توده ای خواهان تمام آن آزادیهای هستند که زنان در پیشرفته ترین کشورهای جهان از آن برخوردارند.

در جامعه ایران، زنان برخلاف قوانین جمهوری اسلامی و فرهنگ و مقررات اسلامی، خواهان حقوق و شان انسانی خویش هستند.

آزادی زن تا همین درجه که امروز در جامعه، در میان مردم رواج دارد، در تضاد با قوانین و مقررات جمهوری اسلامی است.

در هشت مارس امسال در ایران و در همه جای جهان خواهان برچیدن قوانین اسلامی ضد زن و آبارتاید جنسی در ایران و هر نقطه جهان شویم.

سازمان رهایی زن همه سازمانهای مدافع حقوق زن و افراد و شخصیتهای مدافع آزادی زن را فراخواند که به هر شکل که میتوانند این روز را در ایران و جهان گرمای بدارند. در ایران در تجمعتهای خواهان برچیدن قوانین تبعیض آمیز شوند و خواهان آزادی پوشش و حق حضانت، خواهان لغو قانون سنگسار و اعدام به دلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج و.. شوند.

تجمععات خود را بزرگتر و باشکوه تر از سالهای پیش برگزار کنیم و این امید را زنده نگه داریم و وسعت دهیم که برقراری آزادی زن در ایران نزدیک است و آزادی زن آزادی جامعه ایران و بشریت امروز است.



کشتار مردم ماکو شدیداً محکوم است

حسین مرادیگی
(حمه سور)

فقر و فلاکت و دستگاه زور و سرکوب حکومت اسلامی و به بی حقوقی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است که به مردم ایران و کردستان ایران تحمیل شده است. ما باید صبورانه به مردم کردستان توضیح داد که راه پ ک ک، اوچلان و ناسیونالیست های کرد برای مردم کردستان آزادی و نان و رفاه و آسایش بیار نمی آورد. مردم کردستان باید سر نوشت و آینده خود را خود در دست بگیرند. باید همراه دیگر مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران کلیت حکومت اسلامی را درهم کوبید. کلیه نیروهای نظامی و سرکوبگر حکومت اسلامی را باید منحل کرد، سران جنایتکار آن را دستگیر و به دادگاههای مردمی سپرد و کلیه موقوفات مذهبی را مصادره کرده و خرج رفاه و آسایش مردم کرد. با سرنگونی جمهوری ما به قدرت رسیدیم بلافاصله آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه و فعالیت سیاسی و تشکل و اعتصاب و لغو و تحنن و اعتراض، لغو مجازات اعدام را در ایران و در کردستان ایران بصورت قانون اعلام می کنیم تا هیچ احدی نتواند به حقوق جهانشمول بشر و آزادیهای مدنی و اجتماعی مردم دست دراز کند. برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تامین این شرایط و این درجه از آزادیها دست تان را در دست ما بگذارید.

خود برای کشتار و جنگ استفاده میکنند، میتوانند بسیج کنند به زندان بریزند و جمعی را به نام سنی قتل عام کنند، میتوانند سر گردنه بگیرند و مردم را به نام کرد و عرب و ترک و شیعه و سنی قتل عام کنند، نسل کشی راه بیندازند، اینها ابزارهای این سناریو هستند.

از زاویه منافع مردم هر نتیجه ای بر سر غارت و چپاول، بر سر تخریب جامعه عراق گرفته شود، اینها بر سر هر تعداد از راهزنان و مرتجعین قومی و مذهبی توافق کنند، چیزی جز ادامه همین سناریوی جنگ و ترور و کشتار نخواهد بود. اوضاع طوری است که توافقات جدید، تخصامات جدیدی را با خود همراه خواهد داشت. عبور از هر بحران بحران تازه با ابعاد جدیدی را فراهم میکند، قربانیان کل این ماجرا اکثریت مردم عراق هستند.

اما این کل منظره نیست، نیروی دیگری مطرح است، نیروی مردم، نیرویی که به استیصال اش کشیده اند، غولی که هنوز بیدار نشده است، قدرتی که میتواند اینها را از سر راه بردارد.

باید مردم به نیروی خود راه حل تمام این بحران ها را پیدا کند، باید با قدرت خود این اوضاع را تغییر دهد. راهی دیگری نیست، کنگره آزادی عراق تنها روزه امید است. به میدان آوردن نیروی متحد مردم در دفاع از مدنیت و زندگی در عراق، مردم را از شر این جنایت تاریخی خلاص خواهد کرد.

"خلیل زاد" سفیر آمریکا، گردن نمی نهند. مجلس اعلا خواهان فدرالیسم شیعه در مرکز و جنوب عراق است.

جریانات قومی کرد که در اجرای سیاست آمریکا سر راه تر هستند در گنج سری و ناکامی سیاستهای آمریکا سهیم شده اند. جریانات "سنی" که به امید مهار کردن جمهوری اسلامی ایران و رام کردن جریانات تندرو مسلح اسلامی به بازی گرفته شدند، خود مانع دست و پا گیر تازه ای، در سرهم کردن نتایج این گاوپندی شده اند. جریانات وابسته به علای و متفرقه هم از چنان قدرتی برخوردار نیستند تا در کنار جریانات قومی کرد بتوانند ائتلاف "جبهه مطیع" را از آنها ساخت.

این بحران، در متن کلیت اوضاع ناسامان عراق، نشان داد که گرفتاریهای آمریکا در "باتلاق" عراق، ابعاد جدیدی به خود گرفته است.

عراق میدان کشمکش آمریکا و اسلام سیاسی بر سر تقسیم قدرت در خاورمیانه است. آنچه معلوم است تاکنون اسلام سیاسی و در راس آن جمهوری اسلامی ایران، ابتکار عمل را در دست دارد و اجرای سیاست های آمریکا در عراق را به ناکامی کشانده است. کار به جای رسیده که حتی اجرای نمایش خیمه شب بازی دولت و کابینه را هم از آنها سلب کرده است. دامن زدن به جنگ مذهبی شیعه و سنی که خارج از مرزهای عراق، بر سر آینده خاورمیانه و گرفتن امتیاز از هم، در تهران و ریاض

به حکمتیست ها به پیوندید!

تظاهرات شورای کارگران صنایع مکانیک عراق

به دنبال اشغال عراق توسط آمریکا و در ادامه جنگ و نا امنی، فقدان مواد اولیه و کمبود انرژی، بسیاری از صنایع در عراق از کار باز ایستاده و این امر بیکاری و فقر بیسابقه ای را در جامعه عراق ببار آورده است.

بنا به اطلاعاتی فدراسیون شورای کارگران و اتحادیه های عراق، در اعتراض به این وضعیت، کارگران صنایع مکانیک در روز شنبه ۱۲ فوریه ۲۰۰۶، با برافراختن تظاهراتی در محوطه وزارت صنایع، به شرایط زیستی و کار خود اعتراض کردند. متن اطلاعیه چنین است:

شورای کارگران صنایع مکانیک در روز شنبه ۱۲ فوریه ۲۰۰۶ تظاهراتی به منظور رسیدگی به خواسته هاییشان در محوطه وزارت صنایع سازمان دادند.

در این تظاهرات پلاکاردهای را که خواسته هاییشان بر آن نقش بسته بود حمل می کردند. بعضی از مطالبات از این قرار بود:

- توجه به شرایط زیستی و خدمات محل اقامت کارگران

- بازگشایی قسمت های مختلف شرکت

- پرداخت حقوق و مزایای معوقه

میدبای محلی ضمن مصاحبه با فعالین و سازمان دهندگان این حرکت اعتراضی آنرا منعکس کردند.

سرانجام کارگران و وزارت خانه توافق کردند که به مذاکره بپردازند. یک هیئت متشکل از

نمایندگان خواسته های خود را مطرح و در عین حال اعلام کردند که اگر مطالباتشان جواب نگیرد، تظاهرات اعتراضی بزرگتری را سازمان خواهند داد.

همچنین رهبری فدراسیون شورای کارگران و اتحادیه های عراق با صدور اعلامیه ای خطاب به تمام بخشهای کارگری از آنها خواست که با برپایی حرکات اعتراضی بر علیه سیاست های اخیر مقامات اعتراض کنند.

فدراسیون شورای کارگران و اتحادیه های عراق

یک فاکتور تعیین کننده در مداخلات قدرت و سیر اوضاع سیاسی در کشورهای مختلف تبدیل کرده است. حتی ابلهانه ترین و دور از ذهن ترین تمایلات سیاسی و نسخه های اجتماعی، اگر در چهارچوب وسیع تر طبقاتی و جهانی بدرد بخشهایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع پر و بال داده میشود و به آذنان مردم تحمیل میشود. ۳۰ سال قبل کسی تصور چنین چیزی را نمیکرد. امروز در قلب اروپا دختر و پسر جوان مدرن از خانواده مهاجر خاورمیانه ای میگویند کاریکاتورهای محمد توهین به آنها بوده است. ۳۰ سال قبل در ایران و افغانستان جوان شهرستانی نه چندان مدرن در هرات و بجنورد، نقد مارکس به مذهب را حقیقت مطلق جهان میشمارد.

بعید است با اصلاحات قانونی در مسئله رابطه دولت و مذهب و دسته های مذهبی در غرب و با مبارزه با دستجات اسلامی در کشورهای غربی بتوان این جریان را عوض کرد. مبارزه برای باز تعریف رابطه دولت و مذهب و جدایی کامل این رابطه در غرب و مبارزه با جریانات اسلامی، در تضعیف اسلامیان در غرب و جهان موثر است.

اما پاسخ اساسی مسئله و تغییر این وضعیت سیاه امروز، در اصلاحات و انقلابات و تغییرات اساسی در خاورمیانه و ایران خوابیده است. سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری دولت سکولار در ایران حل مسئله فلسطین موضوعاتی هستند که میتوانند جهان را دگرگون کنند.

چرا مسئله کاریکاتورهای محمد این ابعاد جهانی را یافت

چیزی که مسئله کاریکاتورهای محمد را به این سطح کشاند، نه احساسات مذهبی مردم خاورمیانه است و نه نفرت آنها از دستاوردهای بشری در غرب.

مهمترین مسئله ای که توانسته است به این مسئله چنین ابعادی بدهد، تقسیم بندی مذهبی مردم جهان به دست همین دولتهای غرب است. وقتی مردم خاورمیانه هر روزه در مدیای جهان، مردم مسلمان قلمداد شوند و در خود کشورهای غربی یا کمک مدیا و سیاست "انتگراسیون" دولتها، دیگر مسلمان بودن مردم مهاجر خاورمیانه ای به یک اصل پذیرفته شده و نهادینه شده در جامعه تبدیل شده باشد و مسجد و آخوند و کُل دستگاه اسلام به عنوان ارگان نمایندگانی این مردم نزد دولتها تلقی شوند، دیگر آخوندها و گروههای اسلامی نماینده اختیاری این مردم خواهند بود و نقد اسلام توهین به مردم مسلمان تلقی خواهد شد. الصاق هویت اسلامی در غرب به مردم مهاجر خاورمیانه ای توسط دولتها و مدیا و دادن هویت مذهبی به مردم خاورمیانه و پر و بال دادن آن، منشاء توان و قدرت جریانات اسلامی در تحرکات اخیر بر سر مسئله کاریکاتورها است.

مسئله دیگر وجود مدیای جهانی و موثر مانند سی ان ان و الجزیره و... است. بیکار دیگر مانند بسیاری از نمونه های دیگر سالهای اخیر روشن شد که این دنیای ۳۰ سال قبل نیست. انقلاب الکترونیکی و انفورماتیک و پیدایش رسانه های سمعی و بصری جهانی، ژورنالیسم نوکر و مهندسی افکار را به

آنها حرف نمیزند. نه تنها این بلکه نفس آزادی بیان و آزادی نقد به مذهب در خود کشورهای غربی دیگر زیر سوال رفته است. چندین مدیر و سردبیر روزنامه ها در هفته های گذشته در کشورهای اروپایی به دلیل چاپ کاریکاتورهای محمد برکنار شده اند. اگر تا دیروز در غرب کتاب نویسنده منتقد به مذهب اسلام به خاطر ترس انتشاراتی ها از تجربه بمب گذاری و ترور اسلامیان روی دستش میماند و یا خود نویسنده و هنرمند از وحشت ترور به دست تروریست های اسلامی، دست به خودسانسوری میزد، امروز دیگر دولتها با تکان دادن گرد و غبار قانون ممنوعیت توهین به مقدسات مذهبی (پلس فمی)، که سالها بود در کشورهای غربی به کار گرفته نشده بود، رسماً و علناً میخواهند با فعال نمودن قانون بیس فمی جلوی آزادی بیان را سد کنند و یا مانند دولت بلژر خواهان گذراندن قانون در نفی آزادی نقد به مذهب بشوند.

به جز مسئله آزادی بیان، مسئله کاریکاتورها خود بهانه ای برای گروههای اسلامی شده است تا قدرت و خوفناکی خود را به مردم کشورهای تحت انقیادشان و مردم جهان نشان دهند. در یک مسئله جریانات اسلامی سیاسی در دولت و اپوزیسیون مانند جمهوری اسلامی و حماس، همراه با دولتهای مرتجع مختنق منکی به دستگاه و قوانین اسلام طرفدار غرب، مانند عربستان و کویت یکدیگر را یافتند. هر کدام به دلیلی به این حرکت پیوسته اند. اما یک چیز هدف مشترکشان است. تعرض به آزادی بیان و نقد مذهب و قدرت و اتوریته مذهبی.



mkazini@hotmail.com

پروفیسورها مشغول نوشتن و بحث کردن در باره اهمیت احترام به مذاهب هستند. در حالی که سردبیر بخش فرهنگی روزنامه یولند پستن که اقدام به چاپ کاریکاتورها کرده بود از کار برکنار شده است و خود روزنامه و سردبیر آن و سردبیر بخش فرهنگی آن و کاریکاتوربست ها توسط اسلامیان در دانمارک و خارج دانمارک تهدید به مرگ شده اند، از کمتر کسی صدای اعتراض به این اعمال اسلامیان و حمایت از ابرازکنندگان عقیده بر علیه اسلام و جنبش اسلامی شنیده میشود.

"جامعه مسلمانان دانمارک" و گروههای اسلامی که با سفير به خاورمیانه و شاخ آفریقا و دیدار با دولتها و جریانات اسلامی و دستگاه مذهب اسلام، این تعرض به آزادی بیان را سازماندهی کرده اند، به عنوان شهروندان محترم در مدیا ظاهر میشوند و ادعا میکنند چون نخست وزیر و دولت دانمارک به حرفهای به خاورمیانه سفر کرده اند و دولتها و جریانات اسلامی خاورمیانه را در مقابل دولت و مردم دانمارک قرار داده اند. با همه تحریکات و تهدیدات مذهبی که این امامان و دستگاه اسلام و جریانات اسلامی در دانمارک بر علیه آزادی بیان صورت داده اند، کسی از محاکمه

کاریکتور محمد... کرده اند، همچنان ادامه دارد. همه دولتهای خاورمیانه و شاخ آفریقا از ترکیه تا ایران و عربستان و کویت و... به این کمپین برای برقراری اختناق مذهبی در جهان به میدان آمده اند. پاپ هم با قدرت در این شیور دمید و اعلام نمود جلوی هرگونه توهین به مذهب باید گرفته شود و توهین کنندگان باید مجازات شوند. در حالی که اوپاش اسلامی در خیابان به فرمان جریانات اسلامی و با حمایت پادشاهان و دولتهای اسلامی و یا نیمه سکولار، در خیابانها با بانگ الله اکبر عربده میکشند و تهدید به قتل و ترور میکنند. احزاب و دولتهای اروپایی از راست تا چپ در باره احترام به مذهب و دیالوگ با اسلامیان و دولتهای اسلامی در پارلمانها و مدیا داد سخن میدهند. در حالی که اسلامیان تصاویر نخست وزیر دانمارک را به دلیل اجتناب او از ملاقات با سفير ۱۲ کشور خاورمیانه که خواهان عذرخواهی دولت دانمارک از مسلمانان بودند، به آتش میکشند، اپوزیسیون سوسیال دموکرات و چپ و بخشی از جریانات راست، به نخست وزیر دانمارک انتقاد میکنند که چرا با سفير ۱۲ دولت سرگوبگر خاورمیانه برای معامله بر سر آزادی بیان ملاقات نکرده است. در حالی که نخست وزیر دانمارک که مدعی دفاع از آزادی بیان است، انتشار کاریکاتورهای توهین به اسلام و دیگر مذاهب را محکوم میکند، نخست وزیرهای گذشته از جناح راست و چپ و اپوزیسیون چپ دانمارک خواهان برخورد شدیدتر دولت به چاپ کاریکاتورها هستند. خیل نویسندگان و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!